

النگوی یاقوت

النگوی یاقوت

آکساندر کوپرین

حمیدرضا آتش برآب



سرشناسه: کوپرین، آکساندر ایوانوویچ، ۱۸۷۰ - ۱۹۳۸ م
Kuprin, Aleksandr Ivanovich .
عنوان و نام پدیدآور: الگوی یاقوت/ آکساندر کوپرین/ ترجمه حمیدرضا آتش برآب
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۹۵۳-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: داستان‌های روسی -- قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده: آتش برآب، حمیدرضا، ۱۳۵۶ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره: PG۳۴۲۲
رده‌بندی دیویی: ۸۵۹/۷۳۴
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۰۸۷۹۸



الگوی یاقوت

آکساندر کوپرین
ترجمه حمیدرضا آتش برآب
آماده‌سازی و تولید:
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۳، ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،
طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

@ketabeparseh



*Доброму другу; Тинук
с искренними пожеланиями.*

این اشک من است
بگیریدش!
نیازی به آن ندارم
مال شما باشد ...
این هم یک اشک دیگر
دست کم به کار کفشتان که می آید
سگک زیبایی خواهد شد.

ولادیمیر مایاکوفسکی، تراژدی، ۱۹۱۳
ترجمه حمیدرضا آتش برآب
(از کتاب من عاشقم)

این کتاب ترجمه‌ای است از آثار:

Гранатовый браслет и Мой Куприн

از کتابهای:

Куприн А.И. Собр. Соч. в 9 томах. Т. 5. М.: Худ. литература, 1972. С. 227 -- 271.

Рощин Н.Я. Мой Куприн: воспоминания. Судьбы/Н.Я. Рощин; Л.Г. Голубева//

М., 1999. -№8. -С. 175-187.



آلكساندر كوپرين
Александр Куприн
(1870-1938)

شیوه قصه پردازی کوپرین استادانه است؛ زیرا جوهر سرشت انسانی را در کمال دقت و ریزبینی به تصویر می کشد.

آنتون چخوف

وہ، چه کار بی نظیری است این «النگوی یاقوت» ... الحق که حیرت انگیز است! من از ته دل خوشحالم؛ و باید به کوپرین تبریک گفت! این یک جشن واقعی است! ادبیات ناب آغاز شده!

ماکسیم گورگی

«النگوی یاقوت» کوپرین گواه روشنی است بر مهارت نویسنده در کشف دینامیک پیچیده وجد و وسواس آدمی، جنبه‌ای که آن را به یک اثر ادبی ماندگار بدل کرده است.

ولادیمیر نابوکاف

БИБЛИОТЕКА ВСЕМИРНОЙ ЛИТЕРАТУРЫ



Александр Куприн

Гранатовый браслет



النگوی یاقوت

Гранатовый браслет

(1910)

فهرست

۱۳	یادداشت مترجم
۲۵	النگوی یاقوت
۱۳۳	کوپرین من (نیکالای روشین)
۱۷۱	ترجمه‌های مشهور
۱۸۱	بر پرده سینما و تئاتر

آدمها عشق را به شب کشانیدند
به همان گونه که جنایت و دزدی را.
آکساندر کوپرین

یادداشت مترجم

و در همان لحظه نخست که او را می بینی، چیزی را می فهمی و به خود می گویی: من دوستش دارم؛ چون در دنیا، هیچ چیزی شبیه او نیست. و این که هیچ چیزی شبیه او نیست؛ یعنی که بی همتاست ...

زندگی ادبی آکساندر ایواناویچ کوپرین، که از اواخر نهمین دهه قرن نوزدهم آغاز شد و از مرز دهه ۳۰ در قرن بیستم نیز درمی گذرد، تقریباً پنجاه سالی را در بر می گیرد؛ اما دود دهه نخست این بازه زمانی وسیع از اهمیت ویژه ای برخوردارند؛ زمانی که پایه های شخصیت وی به عنوان نویسنده شکل گرفت و استحکام یافت و بهترین آثار خود را خلق کرد. در این سالها، در ادبیات روسیه، بزرگانی چون تالستوی، لسکوف، کارالنکا و چخوف قلم می زدند، ماکسیم گورکی با شکوه و قدرت تمام ظهور کرده بود و استعداد نویسندگان رئالیستی چون بونین، ویرسایف،

سیرافیماف و بسیاری دیگر به تدریج در حال شکل‌گیری بود. در میان آنان آلکساندر کوپرین جایگاه ویژه‌ای یافت؛ و اگرچه آثارش، به لحاظ عمق و استحکام، با نوابغی چون تالستوی، چخوف و گورکی پهلو نمی‌زد، اما به حق بهترین آثارش را می‌بایستی در ردیف برجسته‌ترین دستاوردهای ادبیات روسی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم قرار داد.

کوپرین هرگز ادعای نوآوری نداشت، اما بیشتر آثار برجسته‌اش نمایانگر چنین ویژگی هستند؛ همان خصیصه‌ای که آنها را به پدیده‌هایی تکرارناپذیر تبدیل می‌کند.

بزرگترین خدمت کوپرین در مقام نویسنده، وارد کردن موضوعی به ادبیات آستانه قرن بیستم روسیه بود که تا پیش از او، طی حدود دودهمه، هیچ ادیبی علاقه چندانی به آن نشان نداده بود. این موضوع، یعنی زندگی نظامی، را در آثار گارشین^۱ (در اواخر سالهای ۷۰ و اوایل سالهای ۸۰ قرن نوزدهم) و پس از او در آثار نویسندگان درجه‌دومی چون بژتسکی، ماسلاف، نیمیراویچ دانچنکو و ... می‌توان دید.

کوپرین تنها نویسنده مطرح مکتب رئالیسم اوایل قرن بیستم بود که نه فقط به این موضوع پرداخت، بلکه براساس آن، نماهایی پرمحتوا

۱. فسی‌والود میخاییلوویچ گارشین (۱۸۸۸-۱۸۵۵)؛ داستان‌نویس مشهور روس که بهترین آثار او داستانهای به اصطلاح نظامی‌اش هستند. این آثار اغلب با برخی از آفریده‌های لف تالستوی مقایسه می‌شدند؛ اما گارشین، در کلیت پردازش داستانهایش، بیشتر تحت تأثیر داستایفسکی و تورگنیف بوده‌است.

و با افق دیدی وسیع از زندگی ترسیم نمود.

اما کوپرین فقط نویسندهٔ رمان مشهور *دوئل* و داستان‌هایی دربارهٔ زندگی نظامی نبود. برخلاف برخی از نویسندگان رئالیست اوایل قرن بیستم روسیه، که گویی اغلب متخصص نوشتن درباب موضوعی خاص هستند، کوپرین در آثارش زندگی روزگذر اقشار مختلف جامعه را به تصویر می‌کشد. بی‌تردید کوپرین پیرو رئالیسم بود. او در مصاحبه‌ای (۱۹۰۵) می‌گوید:

من، به‌شخصه، حقیقت‌عریان را بیشتر دوست دارم، حقیقتی که به مغز هجوم می‌آورد و برای همین درمی‌یابم که نویسنده می‌بایستی زندگی را بدون رویگردانی از هیچ‌چیزی بررسی کند... متعفن است؟ خوب، استشمامش کن! کثیف است؟ برو و حتماً مشاهده کن... اما، اسناد زنده را هرگز دفن مکن.

اما، اشتیاق نویسنده به *اسناد زنده* او را به یک‌ناتورالیست، که بی‌هیچ احساسی زندگی را گریته‌برداری می‌کند و خیلی بی‌اعتنا نماهایی از وقایع اطراف را یکی پس از دیگری به‌نخ می‌کشد، تبدیل نکرد. سفله‌کاری ناتورالیستی با مزاج نویسنده‌ای که عاشق زندگی است و، مهم‌تر از همه، ایمانی لایزال به انسان دارد، سازگار نیست. این ایمان سرچشمهٔ خوشبینی‌ای است که آثار کوپرین را متمایز می‌کند.

برخلاف نظر برخی از منتقدان روس، کوپرین جویندهٔ غم و اندوه نیست. در زمانی که بسیاری از نویسندگان برجستهٔ هم‌عصر در آثارشان